

بررسی تحولات و نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۸۷

سعید غیاثوند^۱، غزاله شهیدی^۲، معصومه آسترکی^۳، پرستو ساکی^۴

^۱استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.

^۳دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.

^۴دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دورود.

چکیده

هدف از انجام این مقاله بررسی تحولات و نوآوری های قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ در رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان نسبت به قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۸۷ می باشد، که به روش توصیفی و تحلیلی انجام گرفت نحوه ی برخورد و رفتار با اطفال و نوجوانان ظرافت، انعطاف و تبحر خاص خود را می طلبد تا بتوان آنان را به زندگی عادی هدایت نمود. به همین منظور مقتن در قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ فصل مستقلی به عنوان تحقیقات جرایم اطفال و نوجوانان در نظر گرفته و در آن سن اطفال و نوجوانان را در فروع مختلف گنجانده است؛ به طوری که تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر ۱۵ سال، اعم از پسر یا دختر مستقیماً در دادگاه صورت می پذیرد. اما در مورد افراد بین ۱۵ الی ۱۸ سال چه دختر باشند چه پسر، دو حالت مفروض است: نخست اینکه جرم ارتكابی آنها، از جرایم مندرج در مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ باشد که در این صورت نیز موضوع پرونده آنها بدون طی نمودن دادرسی، مستقیماً در دادگاه رسیدگی می شود. دوم اینکه جرم ارتكابی آنها از جرایم مندرج در مواد ۳۰۶ و ۳۴۰ نباشد که تحقیقات مقدماتی آنها، در دادرسی رسیدگی می شود که در معیت دادگاه اطفال انجام وظیفه می نماید. از نوآوری های این قانون نسبت به قوانین پیشین می توان به تعدد قاضی در دادگاه اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان، ضابطان خاص برای اطفال و زنان بزه دیده، تشکیل پرونده شخصیت را نام برد. با بررسی قوانین ایران مشاهده می شود که کودکان بزه دیده به عنوان افرادی که نیازمندان توجه و حمایت بیشتر نسبت به بزرگسالان و اعمال شیوه های دادرسی افتراقی می باشند در قانون دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ مورد شناسایی بیشتر نسبت به قوانین قبلی قرار گرفته اند.

واژه های کلیدی: دادگاه ویژه اطفال و نوجوانان، دادرسی افتراقی، دادرسی کیفری

مقدمه

با توجه به اینکه اطفال و نوجوانان به محض ارتکاب جرم با مرجع قضایی مواجه می‌شوند و با در نظر گرفتن این موضوع که شیوه اقدام‌های پلیسی نسبت به آنان باید حاوی تدابیر خاصی باشد بنابراین مقنن در ماده ۳۱ قانون آیین دادرسی کیفری جدید برای حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان نیروی انتظامی را به تشکیل پلیس ویژه اطفال و نوجوانان مکلف کرده است که البته وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه‌ای خواهد بود که از سوی رییس قوه قضاییه ابلاغ خواهد شد. به منظور تلطیف اقدام‌های انتظامی درباره اطفال در ماده ۴۲ همین قانون تاکید شده، بازجویی و تحقیقات از اطفال در صورت امکان توسط ماموران انتظامی آموزش‌دیده زن انجام شود. همچنین طبق ماده ۲۸۵ این ماده باید شعبه‌ای از دادرسی عمومی و انقلاب هر حوزه قضایی با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس تشکیل و تحقیقات مقدماتی جرایم افراد ۱۵ تا ۱۸ سال جز در مواردی که به طور قانونی و مستقیم در دادگاه صورت می‌گیرد- در این دادرسی ویژه انجام شود. مطابق ماده ۲۹۴ قانون آیین دادرسی کیفری جدید دادگاه اطفال و نوجوانان یکی از دادگاه‌های کیفری اختصاصی محسوب می‌شود و برابر قانون این دادگاه با حضور یک قاضی و دو مشاور تشکیل خواهد به موجب تبصره ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۹۲ در هر حوزه قضایی باید یک یا چند شعبه اطفال و نوجوانان تشکیل شود که البته در خصوص جرایم در صلاحیت دادگاه‌های کیفری یک یا انقلاب اطفال و نوجوانان، به جرایم آنها در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به اطفال و نوجوانان رسیدگی خواهد شد در دادرسی اطفال و نوجوانان تفاوت‌ها و تسهیلاتی برای اتهامات این متهمان در نظر گرفته شده است. یکی از این موارد آن این است که قرارهای تأمین که صادر می‌شود با قرارهایی که در دادرسی عمومی برای بزرگسالان صادر می‌شود متفاوت است و دادرسی نوجوانان و اطفال از والدین طفل می‌خواهد که هر زمان که نیاز است طفل در دادرسی حاضر شود.

مبحث اول: مبانی حاکم بر رسیدگی به جرایم اطفال در حقوق ایران

اصول دادرسی مختص اطفال با توجه به همه مطالب و مباحث مطروحه در فصول و گفتارهای پیشین نمی‌تواند جدای از اصول دادرسی بزرگسالان باشد. به طوری که علی‌رغم لحاظ اصول اولیه دادرسی کیفری به طور عام، برخی تضمینات خاص نیز توسط مقنن برای این گروه از افراد در نظر گرفته شده اند که با وجه به وضعیت خاص اطفال می‌باشند. در گفتار حاضر که در جهت بیان اصول راهبردی و تضمینات بنیادین دادرسی اطفال است، بر خود لازم دیدیم با بررسی اسناد بین‌المللی این دسته از اصول را بررسی نماییم. چرا که این اسناد اصول و تضمینات حاضر را به طور شفاف و در خلال مواد خود خاطر نشان نموده اند. و اکثر دول مترقی نیز به تبعیت از این اصول، آنها را در مجموعه قواعد خود درج نموده اند. اسناد بین‌المللی در خصوص دادرسی اطفال با تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در ۱۰ دسامبر ۱۹۴۸، اصول اولیه ای از جمله منع شکنجه، طرز دادرسی و اجرای مجازات حبس را بیان نمود، که در ۲۰ نوامبر ۱۹۹۵ مجمع عمومی سازمان ملل، اعلامیه جهانی حقوق کودک را ۱۰ اصل به تصویب رسانید، که بیانگر اهم حقوق یک کودک بود بطوری که طبق اصل دوم این اعلامیه: «کودک باید از حمایت خاصی برخوردار باشد و با تدوین قوانین و سایر وسایل، بایستی امکانات و تسهیلاتی فراهم گردد تا طفل از نظر جسمانی، روانی، اجتماعی و اخلاقی به نحو سالم و طبیعی در محیطی آزاد و شایسته رشد نماید و در قوانین باید مصالح عالی به بیش از همه چیز دیگری مورد توجه قرار گیرد.^۲

^۱. اعلامیه حاضر در سال ۱۹۹۰ به تصویب رسیده است.

^۲. دانش - دکتر تاج زمان - دادرسی اطفال بزهدار در حقوق تطبیقی - نشر میزان - ۱۳۷۸ ص ۲۹.

از بدو تأسیس سازمان ملل متحد لزوم تشکیل دادگاههای خاص اطفال و نوجوانان و اجرای روشهای اصلاحی و تربیتی و یا درمانی همواره مورد توجه مجمع عمومی سازمان ملل بوده است. که درکنگره های بین المللی پیشگیری از وقوع جرایم و تربیت و درمان مجرمین مطرح گردیده است. که درنهایت در هفتمین کنگره که درسال ۱۹۸۵ تشکیل گردید، طرح قانون بیجینگ^۳ به تصویب رسید و تا سال ۱۹۸۷ سی و دو کشور قوانین خود را طبق اصول این قانون اصلاح نموده اند که از آن جمله کشورانگلستان بود.

در سال ۱۹۸۹ کنوانسیون حقوق کودک از تصویب مجمع عمومی سازمان ملل گذشت که دارای ۵۴ ماده بود و اصولی را در رابطه با حقوق دفاعی کودکان بیان می داشت. علاوه بر مقررات وقواعد لازم الاجرا حاضر یک سری اصول راهنما و ارشادی نیز طبق رهنمودهای ریاض بوجود آمد که به فراخور بحث از آن اصول سخن به میان خواهد آمد.

اطفال بزهکار همانند مجرمان بزرگسالان در قلمرو کیفری دارای حقوق و تضمینات حقوقی خاصی هستند که علیرغم حقوق عمومی، وجود آنها بیش از پیش احساس می گردد از آنجای که برخی حقوق عمومی به طور مشترک هم در خصوص اطفال موضوعیت دارد و هم در خصوص بزرگسالان نظیر حق حیات، حق آزادی، حق تحصیلات، حق بهداشت، حق کرامت انسانی و سایر حقوق دیگر، از ذکر این حقوق به جهت بدیهی بودن آنها در این مقاله خودداری می گردد، و سعی در شرح و بسط برخی اصول و تضمینات بنیادین داری خواهد شد. طبق مجموعه مقررات بین المللی برخی حقوق و اصول که برای محاکمه منصفانه و عادلانه ضروری هستند بیان شده اند. که به تناسب برخی در اعلامیه جهانی حقوق بشر و برخی در عهدنامه بین المللی حقوق مدنی و سیاسی تصریح شده اند و برخی نیز به طور خاص در حداقل مقررات استاندارد مربوطه به دادرسی اطفال و معاهده حقوق کودک ذکر گردیده است.

تضمینات بنیادین دادرسی، از قبیل فرض بیگناهی، حق اطلاع از اتهامات، حق اختیار سکوت، حق مشاوره حقوقی، حق حضور یکی از والدین یا سرپرستان، حق مواجهه و طرح سؤال از شهود طرف مقابل و حق پژوهش خواهی از مراجع بالاتر در کلیه مراحل رسیدگی از حقوق اولیه نوجوانان و اطفال می باشد.

گفتار اول : اصل برائت

فرض بیگناهی یا اصل برائت میراث مشترک حقوقی همه ملل پیشرفته جهان محسوب می گردد؛ که در دو قرن اخیر از سوی حقوقدانان و قانونگذاران مورد عنایت و استقبال واقع شده و موضوع اعلامیه ها و معاهدات بین المللی چندی واقع گردیده است.

۴

از آنجائیکه این اصل بر فرض بیگناه بودن تمام افراد و برائت آنها از هر گونه اتهام مطرح شده از طرف افراد دیگر، ناظر می باشد؛ در حقوق داخلی کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است. و لذا بخش عمده ای از مباحث علمی در زمینه مسائل کیفری، به تحلیل اصول و قواعد اثبات جرم وادله کیفری می پردازند. مسأله اقامه دلیل دعوی کیفری و تلفیق آن در همه موارد با اعمال اصل برائت یا فرض بیگناهی متهم در اجرای عدالت کیفری به سهولت امکان ندارد.^۵

^۳ BEIJING RULES

^۴ . آشوری - دکتر محمد - عدالت کیفری (مجموعه مقالات) انتشارات گنج دانش چاپ اول - ۱۳۷۶ ص ۱۳۳.

^۵ . خزانی (دکتر منوچهر) اصل برائت و اقامه دلیل در دعوی کیفری - مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی - شماره ۱۳ و ۱۴ ص ۱۳۵.

اصل برائت در کنوانسیون حقوق کودک نیز طی ماده ۴۰ مورد اشاره واقع شده است. به طوری که طبق بند یک از قسمت ب بند ۲ قید شده است که کودک « تا زمانی که گناهکار بودنش بر طبق قانون ثابت نشده باشد باید بیگناه فرض شود ». ^۶ لذا با توجه به اشاره ماده (۱ - ۷) مقررات پکن و ماده ۴۰ کنوانسیون حقوق کودک ابتدائی ترین حق کودک و نوجوان در مظان اتهام، برخورداری از حق توسل به اصل برائت است تا پس از آن تضمینات دیگر مطرح گردد.

گفتار دوم : لزوم حفظ حریم شخصی و سری بودن جلسات دادرسی

« حق نوجوان به حفظ حریم خصوصی در کلیه مراحل دادرسی به منظور اجتناب از آسیب رساندن به نوجوانان، در نتیجه تبلیغات بی مورد یا فرآیند بر چسب زدن، محترم داشته خواهد شد و این احترام و حرمت ناشی از همان وضعیت خاص اطفال است که بیانگر آسیب پذیر بودن آنها و تلقی شدن آنها به عنوان یک قربانی می باشد و این نیز حاصل تحقیقات وسیع جرم شناختی است، که در زمینه فرایند بر چسب زنی، شواهدی از آثار زیانبار شناسایی اطفال به عنوان بزهکار را متذکرمی شود. لذا با توجه به این امر « اصولاً هیچگونه اطلاعاتی که بتواند منجر به افشاء هویت نوجوان بزهکار گردد منتشر نخواهد شد ». ^۷ و این مستلزم برگزار شدن جلسات رسیدگی به جرایم اطفال به طور سری می باشد. که به عنوان یک اصل و رکن در دادرسی اطفال تلقی می گردد و در اجرای آن غالباً از حضور افراد عادی و خبرنگاران و نمایندگان موسسات ارتباط جمعی و مطبوعات جلوگیری می گردد. و دادگاه با حضور طفل و والدین و مددکاران اجتماعی تشکیل می گردد.

گفتار سوم : الزامی بودن داشتن وکیل یا مشاور حقوقی

طبق قوانین بیجنگ : « نوجوان در طول جریان دادرسی دارای حق نمایندگی توسط یک مشاور حقوقی، یا درخواست معاضدت حقوقی رایگان در مورد ارائه این معاضدت در کشور می باشد ». ^۸ که در واقع امر حق توسل نوجوان و کودک در مظان اتهام، به کمک یک وکیل را بیان می دارد. تا بتواند از این طریق از قواعد حقوقی در جهت دفاع از خود استفاده نماید و ضعف عدم تسلط به منابع حقوقی و قانونی را جبران نماید که به طور عام در خصوص بزرگسالان به حق داشتن وکیل تعبیر می شود. ^{۱۰}

گفتار چهارم : حق حضور والدین در جلسه دادرسی

از نظر مقررات پکن « والدین یا سرپرست اطفال حق حضور در جریان دادرسی را دارند و می توانند در جهت مصالح نوجوان توسط مرجع ذی صلاح ملزم به حضور در دادرسی گردند. لیکن در صورت وجود دلایلی مبنی بر فرض اینکه عدم حضور آنان در جهت مصالح نوجوان ضروری می باشد، از حضور آنان ممانعت به عمل خواهد آمد. » ^۹ در واقع امر حضور والدین نوعی معاضدت روانی طفل و کاستن از استرسهای او در تماس با دستگاه قضایی می باشد، که با حضور والدین در کنار اطفال اولاً از رسمیت و عدم انعطاف جلسه دادرسی کاسته می شود و از طرف دیگر اطفال از طریق والدین خود به حقوق و داشته های خود آگاه و اتهامات از آن طریق به ایشان تفهیم می گردد.

گفتار پنجم : اجتناب از تأخیر غیر ضروری و تسریع در رسیدگی

^۶. اینو چنتی دایجست - دادرسی ویژه نوجوانان یونسف - ۱۹۹۸ - ص ۲۴ .

^۷ BEIJING RULES ARTICLE (8 - 1).

^۸ BEIJING RULES ARTICLE (8 - 2).

^۹ BEIJING RULES ARTICLE (15 - 1).

^{۱۰}. که در بندهای دو از بخش ب و بند ۳ از ماده ۴۰ معاهده حقوق کودک نیز قید شده است.

^{۱۱} Beijing rules Article 8 - 1

تسریع در رسیدگی به پرونده های مربوط به اطفال و نوجوانان به جهت جلوگیری از تأثیرات غیر قابل جبران رسیدگی کیفری به آنها از اهمیت بالایی برخوردار است. لذا لازم است با استفاده از تدابیر مشخص شده به طور معقولانه در رسیدگی به پرونده این دسته افراد سرعت به خرج داد. طولانی شدن رسیدگی به یک پرونده موجب صعوبت کشف ارتباط بین دادرسی و تصمیم اخذ شده، چه از نظر عقلی و چه از نظر روانی می گردد. و بدین لحاظ در مقررات بین المللی ذکر گردیده است که « هر پرونده راجع به اطفال از بدو امر در اسرع وقت و بدون هرگونه تأخیر غیر ضروری تحت رسیدگی قرار خواهد گرفت. »^{۱۲}

گفتار ششم: اصل تفسیر کودک مدارانه

اصل تفسیر مضیق قوانین کیفری و اکتفاء به منطوق صریح مواد قانونی از جمله اصول کلی حقوق کیفری است، که در مواجهه با مصادیق جزایی می بایست مورد توجه قرار گیرد؛ به طوری که با رعایت اصل حاضر، به اصل قانونی بودن جرایم و مجازات خللی وارد نگردد. از طرف دیگر این تفسیر باید در حیطه ای باشد که به نفع متهم باشد. این به نفع بودن نیز باید در حیطه منطقی باشد و از توسل به قیاس نیز جلوگیری به عمل آید. و از سرایت احکام جزایی افعال مجرمانه به سایر اعمال غیر مجرمانه مشابه ممانعت به عمل آید.^{۱۳}

اما در خصوص اطفال بزهکاران بین المللی تفسیر کودک مدارانه را، تفسیر به نفع کودک تبیین نموده است و بیان داشته است که: « به منظور تعبیر و تفسیر مقررات مربوط به اطفال بزهکار باید از موضع گیری کودک مدارانه پیروی نمود... »^{۱۴} و آنچه حائز اهمیت است این نکته است که تفسیر قوانین باید به نحوی صورت پذیرد که مصالح و منافع آنها تأمین گردد. و در این راه باید، ابتدا شخصیت کودک برای مرجع رسیدگی احراز گردد و به او توجه گردد. یعنی باید دانست که برای تطبیق عمل ارتكابی با قانون، تعیین واکنش نسبت به رفتار او، چگونگی رسیدگی به جرم او... منافع و نیازهای کودک از اصول اولیه در تفسیر مقررات است. که می بایست مدنظر متولیان دادرسی اطفال واقع گردد.

گفتار هفتم: حداقل استفاده از بازداشت و مراکز مراقبتی

از آنجائیکه بازداشت و زندان به عنوان یک کیفر یا مکانیزم پیش محاکمه ای در قالب موارد مورد استفاده محاکم دادگستری قرار می گیرد. که باید یاد آور شد که از خلال همه مراحل دادرسی ویژه اطفال در مرحله دستگیری یا بلافاصله بعد از آن است که نوجوان متهم، احتمالاً قربانی شکنجه و سایر انواع رفتار خشونت آمیز می شود. لذا با توجه به معیارهای بین المللی از جمله تعهدات الزام آور حقوق کودک^{۱۵} و قوانین پکن^{۱۶} بازداشت موقت فقط به عنوان آخرین راه چاره و برای کوتاهترین مدت زمان به کار گرفته خواهد شد. چرا که خطر آلودگی به بزهکاری برای نوجوانان طی مدت بازداشت موقت نباید ناچیز فرض گردد. و لازم است اقدامات جایگزین از قبیل نظارت مستقیم، مراقبت دقیق یا نگهداری در یک خانواده یا محیط آموزشی یا خانه به جای بازداشت موقت به کار گرفته می شود. البته این نکته نیز بایستی مدنظر قرار گیرد. که در امر بازداشت نوجوانان لازم است که آنها به صورت منفک از بزرگسالان نگهداری شوند و از کلیه حقوق و تضمینات زندانیان برخوردار گردند. و طی دوره

۱. 'Beijing rules Article: le 15 -2

۱. صانعی - دکتر پروبیز - حقوق جزای عمومی - جلد اول - انتشارات گنج دانش - چاپ ۱۳۷۲ ص ۱۲۱ - ۱۱۴

۲. RIYADH RULES ARTICLE (3).

۳. عباچی - مریم - همان منبع ص ۵۳ - ۵۲.

ARTICLE (7 - 8). 1. CONVENRSATION ON THE RIGHTS OF THE CHILD^{۱۵}BEIJING RULES ARTICLE (13) AND COMMENTRY.

^{۱۶}BEIJING RULES ARTICLE (12 - 1) AND COMMENTRY.

بازداشت از مزایای خاصی برخوردار گردند. همچنین می‌بایست در صورت محکومیت طفل نسبت به بزه، فرستادن به یک موسسه نگهداری همواره آخرین راه‌چاره برای حداقل رمان لازم باشد. چرا که به موجب جرم‌شناسی مترقی استفاده از تدابیر غیر موسسه‌ای بر استفاده از تدابیر نگهداری ارجح می‌باشد. تاثیرات نگهداری در موسسات نامطلوب می‌باشند، که از آن جمله می‌توان به فقدان آزادی و جدا شدن از محیط معمول اجتماعی اشاره نمود. لذا حداقل در صورت عدم امکان احتراز از موسسات نگهداری بیشتر سعی شود از موسسات باز استفاده گردد.^{۱۷}

^{۱۷}SIEGL (LARRT) AND SENNA (Joseph) , Juvenile Delinquency , West Publishing Company Sixth Edition ,U. S , 1997P 10.

گفتار هشتم : لزوم جدایی دادگاه اطفال از بزرگسالان :

اطفال و نوجوانانی که مرتکب رفتارهای جنایی می شوند تحت کنترل قانون قابل اجرا دادگاه و مؤسسات و نهادهای تأدیبی و اصلاحی که شامل نظام عدالت کیفری نوجوانان است قرار میگیرد.^{۱۸} حال با توجه به ارتکاب رفتارهای جنایی توسط اطفال شاید این نکته قابل توجه باشد که اکثر اعمال ارتكابی توسط اطفال کوچک و کم اهمیت می باشد ولی برخی دیگر از این اعمال و رفتارها خشونت آمیز می باشند که لازمه آن برخورد مناسب با خشونت و محکوم نمودن نقض قانون است.

با لحاظ این نکته که تشکیلات قضایی نوجوانان و دادگاه و بزه اطفال جزء لاینفک پیشرفت ملی هر کشوری می باشد^{۱۹} در چارچوب جامع عدالت کیفری و اجتماعی برای تمام نوجوانان قرار دارد، لذا برای صیانت از حرمت نوجوانان به عنوان طبقه آسیب پذیر اجتماع لازم است تدبیر جامعه برای کنترل اعمال ناقض قانون این گروه منفک از بزرگسالان و افراد عادی اجتماع باشد و بدین لحاظ تأمین نیازهای متنوع مجرمان نوجوان و درعین حال حفظ حقوق اساسی و تأمین نیازهای جامعه به نحو کامل و منصفانه در پرتو ایجاد و تشکیلات خاص اطفال قابل تحقیق است.^{۲۰}

در نهایت با توجه به علل و عوامل فوق الاشعار باید این نکته مورد توجه واقع گردد تفکیک و جدایی دادگاه اطفال نه تنها یک اصل و رکن در عدالت کیفری اطفال است بلکه با توجه به موقعیت خاص این طبقه از اجتماع یک ضرورت عینی انکار ناپذیر است به طوری که لزوم شناسایی علل بزهکاری و شخصیت طفل و اتخاذ روشهای خاص برای اصلاح و تربیت و بازپروری اطفال بزهکار و پیشگیری از وقوع مجدد بزه از طرف آنها این مهم را صد چندان میسازد که در اسناد بین المللی نیز بدان تصریح شده است.

گفتار نهم : قضات مخصوص اطفال :

طفل و فعل ارتكابی توسط او که واجد وصف نقض قانون است پس از طرح در دادگاه اطفال، دانش و مهارت قاضی مخصوص اطفال را می طلبد تا با تدقیق در عناصر فعل ارتكابی و شخصیت مرتکب آن راه حل متناسب را جهت اصلاح و بازپروری و برخورد مناسب با او را برای وی تجویز نماید. به طوری که در اکثر قوانین خاص دادگاههای اطفال و جوانان اتخاذ هر نوع تصمیم و صدور حکم و تعیین روشی که در مورد اطفال و جوانان بزهکار و در حالت خطرناک بایستی اجرا شود، و تغییر روشها برای حمایت و هدایت آنان و پیشگیری از تکرار و ارتكاب جرم به قاضی اطفال و جوانان تفویض شده است.^{۱۰} دادگاه اطفال که با ریاست قاضی خاص اطفال رسمیت می یابد برای رسیدن به یک تصمیم عادلانه و اصلاحگر از نظر کارشناسان غیر قضایی استفاده می نماید.

قاضی دادگاه اطفال یک عالم حقوق تنها نیست بلکه چنین بر می آید که او باید در عین حقوقدان بودن یک روانشناس و جامعه شناس و یک مشاور نیز باشد. و برای این منظور سعی می شود در انتصاب قضات اطفال دقت بالایی صورت گیرد و بدین منظور و به لحاظ هماهنگی روش قضات اطفال بزهکار و همکاری بین المللی جهت بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی و روانی اطفال و نوجوانان مجمع بین المللی قضات اطفال در ژوئیه ۱۹۷۰ در شهر ژنو تشکیل گردید و به تخصص قاضی اطفال و

۱۰. BEIJING RULES ARTICLE (1 - 4). 4

۱۹. عباچی مریم - همان مرجع ص ۱۰۰.

۲۰. SIEGL (LARRT) AND SENNA (Joseph) , Juvenile Delinquency op cit p 547.

۲۱. CONVENRSATION ON THE RIGHTS OF THE CHILD ARTICLE (40 - 1).

تدریس درس بزهکاری اطفال اصرار و تأکید داشت. به طوری که لزوم حضور مددکاران اجتماعی و قضات متخصص دادگاه های اطفال را یک ضرورت دانسته و بر آن تأکید داشته است.^{۲۲}

در نهایت باید خاطر نشان ساخت که مکتب دفاع اجتماعی نوین مدتهاست که تأکید و توصیه می نماید که درتشکیل دادگاههای اطفال بایستی از متخصصان اموراجتماعی و روان پزشکی استفاده نمود. و این امر به لحاظ وضعیت خاص اطفال از نظر روحی و جسمی می باشد.^{۲۳}

مبحث دوم: بررسی تحولات و نوآوری ها در ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال
گفتار اول: تعدد قاضی در دادگاه اطفال و نوجوانان

دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و دو مشاور تشکیل می شود و نظر مشاوران در این خصوص مشورتی است و لذا برای قاضی دادگاه لازم الاتباع نیست. چنانچه اطفال و نوجوانان، مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، برابر ماده ی ۳۱۵ بجا جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه ی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود و متهم از کلیه ی امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود، بهره مند می گردد.

در خصوص دادگاه اطفال و نوجوانان، نکات ذیل قابل توجه است:

۱. دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و دادگاه کیفری یک ویژه ی اطفال و نوجوانان با حضور سه قاضی تشکیل می شود؛

۲. برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه ی رسیدگی به جرایم آنان، حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر قانون الزامی است.^{۲۴}

۳. در هر حوزه ی قضایی شهرستان، یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه ی جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده ی ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می دهد، رسیدگی می شود.^{۲۵}

۲۲. BEIJING RULES ARTICLE (17 - 1) AND COMMENTRY (5 - 1) .

اسماعیل زاده کاشفی - حسن - نظریه های عدالت کیفری صغار - ترجمه - نشریه امنیت - سال چهارم - شماره ۱۰ - ۹ ص ۳۶۶

^{۲۴} ماده ی ۲۹۸ همان قانون: «دادگاه اطفال و نوجوانان با حضور یک قاضی و دو مشاور تشکیل می شود. نظر مشاوران مشورتی است.»

^{۲۵} ماده ی ۳۱۵ همان قانون: «در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود بهره مند می گردد.»

^{۲۶} تبصره ی ۲ ماده ی ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر شده در این قانون، برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم آنان الزامی است.»

^{۲۷} تبصره ی ماده ی ۲۹۸ همان قانون: «در هر حوزه قضایی شهرستان یک یا چند شعبه دادگاه اطفال و نوجوانان بر حسب نیاز تشکیل می شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده ۳۱۵ این قانون، در دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می دهد، رسیدگی می شود.»

۴. چنانچه اطفال و نوجوانان مرتکب جرایم در صلاحیت دادگاه انقلاب شوند، برابر ماده ی ۳۱۵^{۲۸} همین قانون، به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه ی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود و متهم از کلیه ی امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود، بهره مند می گردد.

گفتار دوم: صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان

ماده ی ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲) در خصوص صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان مقرر می دارد: «به کلیه جرایم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود». چنانچه اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا دادگاه انقلاب شوند، برابر ماده ی ۳۱۵^{۲۹} همین قانون، به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه ی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود و متهم از کلیه ی امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود، بهره مند می گردد. (جوانمرد، ۱۳۹۴ ص ۱۱۰) بر اساس تبصره ی یک ماده ی ۳۰۴^{۳۰} منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد و بلوغ شرعی به استناد تبصره ی یک ماده ی ۱۲۱۰ قانون مدنی، برای دختران نه سال تمام قمری و برای پسران پانزده سال تمام قمری می باشد. در خصوص دادگاه اطفال و نوجوانان چند نکته حائز اهمیت است:

نکته ی اول: جرایم اطفال و نوجوانان در هیچ صورتی در دادگاه انقلاب رسیدگی نخواهد شد. چنانچه این افراد مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه انقلاب شوند، برابر ماده ی ۳۱۵^{۳۱} همین قانون، به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه ی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود.

نکته ی دوم: در هر حوزه ی قضایی شهرستان، یک یا چند شعبه ی دادگاه اطفال و نوجوانان حسب نیاز تشکیل می شود. تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه ی جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرایم مشمول ماده ی ۳۱۵ این قانون، در دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می دهد، رسیدگی می شود.^{۳۲}

^{۲۸} ماده ی ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود، بهره مند می گردد...تبصره ی ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر شده در این قانون، برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم آنان الزامی است».

^{۲۹} ماده ی ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود، بهره مند می گردد...تبصره ی ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر شده در این قانون، برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم آنان الزامی است».

^{۳۰} «طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده است».

^{۳۱} ماده ی ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «در صورتی که اطفال و نوجوانان مرتکب یکی از جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری یک یا انقلاب شوند، به جرایم آنان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می شود و متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می شود، بهره مند می گردد...تبصره ی ۲- حضور مشاوران با رعایت شرایط مقرر شده در این قانون، برای رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم آنان الزامی است».

نکته‌ی سوم: از ذیل تبصره ی ۲ ماده ی ۲۹۸ که مقرر می‌دارد:

«تا زمانی که دادگاه اطفال و نوجوانان در محلی تشکیل نشده است، به کلیه جرایم اطفال و نوجوانان به جز جرائم مشمول ماده (۳۱۵) این قانون، در شعبه دادگاه کیفری دو یا دادگاهی که وظایف آن را انجام می‌دهد رسیدگی می‌شود» دادگاه کیفری دو و در بخش دادگاه بخش می‌توانند به جرایم اطفال و نوجوانان نیز رسیدگی نمایند به جز جرایم مشمول ماده ی ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲). (کیان، ۱۳۹۳، ص ۹۹)

نکته‌ی چهارم: در هر شهرستان به تعداد مورد نیاز شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک به عنوان «دادگاه کیفری یک ویژه ی رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان» برای رسیدگی به جرایم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد.^{۳۳}

نکته‌ی پنجم: تخصصی بودن شعب دادگاه های کیفری یک ویژه ی رسیدگی کننده به جرایم اطفال و نوجوانان، مانع از ارجاع سایر پرونده ها به آن ها نمی باشد. یعنی دادگاه های کیفری یک رسیدگی کننده به جرایم اطفال و نوجوانان، دادگاه های تخصصی هستند نه اختصاصی؛ بر خلاف دادگاه های اطفال و نوجوانان، که دادگاه های اختصاصی هستند نه تخصصی.^{۳۴}

نکته‌ی ششم: هر گاه یک یا چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، فقط به جرایم اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود، اما در جرایمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه ی متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرایم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است.^{۳۵}

نکته‌ی هفتم: رئیس دادگستری یا رئیس کل دادگاه های شهرستان مرکز استان هر حوزه، حسب مورد ریاست دادگاه های اطفال و نوجوانان را نیز بر عهده دارد.^{۳۶}

نکته‌ی هشتم: قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان را رئیس قوه ی قضائیه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه ی خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره ی آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بداند، انتخاب می‌کند.^{۳۷}

نکته‌ی نهم: مشاوران دادگاه اطفال و نوجوانان از بین متخصصان علوم تربیتی، روان شناسی، جرم شناسان، مددکاران اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روان شناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می‌شوند.

^{۳۲}. تبصره ماده ۲۹۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)

^{۳۳}. تبصره ی ماده ی ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «در شهرستان به تعداد مورد نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان برای رسیدگی به جرایم موضوع این ماده اختصاص می‌یابد. تخصص بودن این شعب، مانع از ارجاع سایر پرونده ها به آن ها نمی باشد».

^{۳۴}. تبصره یک ماده ۳۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲)

^{۳۵}. ماده ی ۳۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲): «هر گاه یک چند طفل یا نوجوان با مشارکت یا معاونت اشخاص بزرگسال مرتکب جرم شوند و یا در ارتکاب جرم با اشخاص بزرگسال معاونت نمایند، فقط به جرایم اطفال و نوجوانان در دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی می‌شود. تبصره - در جرایمی که تحقق آن منوط به فعل دو یا چند نفر است، در صورتی که رسیدگی به اتهام یکی از متهمان در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، رسیدگی به اتهام کلیه متهمان در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می‌آید. در این صورت اصول حاکم بر رسیدگی به جرایم اشخاص بالاتر از هجده سال تابع قواعد عمومی است».

^{۳۶}. ماده ی ۴۰۸ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

^{۳۷}. ماده ی ۴۰۹ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

شوند.^{۳۸} برای انتخاب مشاوران، رئیس حوزه قضایی هر محل برای هر شعبه حداقل هشت نفر مرد و زن را که واجد شرایط مندرج در این ماده بدانند، به رئیس کل دادگستری استان پیشنهاد می‌کند. رئیس کل دادگستری استان از بین آنان حداقل چهار نفر را برای مدت دو سال به این سمت منصوب می‌نماید. انتخاب مجدد آنان بلامانع است^{۳۹} و در صورت مؤنث بودن متهم، حداقل یکی از مشاوران باید زن باشد.^{۴۰}

نکته‌ی دهم: هر گاه قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به جهتی از جهات قانونی از انجام وظیفه باز بماند، رئیس دادگستری می‌تواند شخصاً به جای او انجام وظیفه کند یا یکی از قضات واجد شرایط را به جای قاضی دادگاه اطفال و نوجوانان به طور موقت مأمور به رسیدگی نماید.^{۴۱}

نکته‌ی یازدهم: در جرایمی که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است، یا جرایمی که مستلزم پرداخت دیه یا ارزش بیش از خمس دیه کامل است و در جرایم تعزیری درجه‌ی شش و بالاتر، دادسرا یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می‌نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می‌شود. در جرایم تعزیری درجه‌های هفت و هشت، ولی یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان می‌تواند خود از وی دفاع و یا وکیل تعیین نماید. نوجوان نیز می‌تواند از خود دفاع کند.^{۴۲}

نکته‌ی دوازدهم: به درخواست ضرر و زیان ناشی از جرم که در دادگاه اطفال و نوجوانان مطرح می‌گردد، طبق مقررات قانونی رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌شود. در هنگام رسیدگی به دعوای ضرر و زیان، حضور طفل لازم نیست، مگر آن که توضیحات وی برای صدور رأی ضروری باشد.^{۴۳}

نکته‌ی سیزدهم: دادگاه اطفال و نوجوانان وقت جلسه‌ی رسیدگی را تعیین و به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می‌کند.^{۴۴}

نکته‌ی چهاردهم: در جرایم تعزیری درجه‌های شش، هفت و هشت و هم‌چنین در جرایم تعزیری که مجازات قانونی آن‌ها غیر از حبس است، هر گاه متهم و والدین یا سرپرست قانونی او و هم‌چنین در صورت داشتن وکیل، وکیل او حاضر باشند و درخواست رسیدگی نمایند و موجبات رسیدگی نیز فراهم باشد^{۴۵} دادگاه می‌تواند بدون تعیین وقت، رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید.^{۴۶}

نکته‌ی پانزدهم: در دادگاه اطفال و نوجوانان، والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، اشخاصی که نظر آنان در تحقیقات مقدماتی جلب شده، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی سازمان بهزیستی حاضر می‌شوند. حضور اشخاص

^{۳۸}. ماده‌ی ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

^{۳۹}. تبصره‌ی یک ماده‌ی ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

^{۴۰}. تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

^{۴۱}. ماده‌ی ۴۱۱ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

^{۴۲}. ماده‌ی ۴۱۵ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

^{۴۳}. ماده‌ی ۴۱۶ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

^{۴۴}. ماده‌ی ۴۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

^{۴۵}. مصدق، محمد نوآوری‌های قانون جدید آیین دادرسی انتشارات جنگل ۱۳۹۴ ص ۱۶۷

^{۴۶}. تبصره‌ی ۲ ماده‌ی ۴۱۲ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

دیگر در جلسه ی رسیدگی با موافقت دادگاه بلامانع است.^{۴۷} هر گاه مصلحت طفل موضوع تبصره ی یک ماده ی ۳۰۴ این قانون اقتضاء کند، ممکن است تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب او به عمل آید. رأی دادگاه در هر صورت حضوری محسوب می شود.^{۴۸}

نکته ی شانزدهم: آراء و تصمیمات دادگاه اطفال و نوجوانان، علاوه بر شاکی، متهم و محکوم علیه، به ولی یا سرپرست قانونی متهم و محکوم علیه و در صورت داشتن وکیل به وکیل ایشان نیز ابلاغ می شود.^{۴۹}

نکته ی هفدهم: هر گاه حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می یابد. چنانچه پیش از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز کند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می گیرد. در این صورت متهم از کلیه ی امتیازات دادگاه اطفال و نوجوانان بهره مند می گردد. در هر صورت محکومان بالای سن هجده سال تمام موضوع این ماده، در بخش نگه داری جوانان که در کانون اصلاح و تربیت ایجاد می شود، نگه داری می شوند.^{۵۰}

گفتار سوم: نوآوری های دادرسی ویژه نوجوانان

دادرسی ویژه نوجوانان یک دادرسی اختصاصی نیست بلکه شعبه ای از دادرسی عمومی و انقلاب است که به صورت تخصصی اُبّه انجام تحقیقات مقدماتی جرایم افراد بین (۱۵) تا (۱۸) سال می پردازد. به موجب ماده (۲۸۵) ق. آ. د. ک: «در معیت دادگاه اطفال و نوجوانان و در محل آن، شعبه ای از دادرسی عمومی و انقلاب با عنوان دادرسی ویژه نوجوانان به سرپرستی یکی از معاونان دادستان و با حضور یک یا چند بازپرس تشکیل می شود...». با توجه به اینکه به موجب تبصره (۱) ماده مزبور تحقیقات مقدماتی تمامی جرایم افراد زیر (۱۵) سال به طور مستقیم در دادگاه اطفال و نوجوانان به عمل می آید، لذا صلاحیت دادرسی فوق الذکر منحصر به جرایم ارتكابی توسط افراد (۱۵) تا (۱۸) سال است. با توجه به ماده (۲۵) ق. آ. د. ک نه تنها در مورد اطفال و نوجوانان بلکه به تشخیص رییس قوه قضاییه برای انجام تحقیقات مقدماتی تمام موارد تخصصی از قبیل جرایم کارکنان دولت، جرایم امنیتی، جرایم مربوط به امور پزشکی و دارویی یا رایانه و... تشکیل دادرسی تخصصی مقدور است. ویژگی که ماده (۲۸۵) ق. آ. د. ک را از ماده (۲۵) این قانون متمایز می کند، اجباری بودن تشکیل دادرسی تخصصی جرایم نوجوانان است. تشکیل سایر دادرسی های تخصصی به شرح مقرر در ماده (۲۵) به تشخیص رییس قوه قضاییه محول شده و ایجاد آن ها اختیاری است، اما اختصاص دادن شعبه ای از دادرسی به جرایم نوجوانان حکم قانون است و در حوزه قضایی هر شهرستان باید تشکیل شود.

با توجه به تخصصی بودن این دادرسی و فقدان شخصیت حقوقی مستقل از دادرسی عمومی و انقلاب، ارجاع سایر پرونده ها به آن ممنوعیتی ندارد.

^{۴۷}. ماده ی ۴۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

^{۴۸}. ماده ی ۴۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

^{۴۹}. ماده ی ۴۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

^{۵۰}. تبصره ی ۲ ماده ی ۳۰۴ قانون آیین دادرسی کیفری (۱۳۹۲).

^{۵۱}. در یک تقسیم بندی کلی مراجع عمومی و اختصاصی تقسیم می شوند. در مواد (۳) و (۴) قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب (۱۳۰۷) پیش بینی شده بود که محاکم عمومی آن است که حق رسیدگی به تمام دعاوی را دارد، غیر آن چه قانون صراحتاً استثناء کرده است. محاکم اختصاصی آن است که به هیچ امری حق رسیدگی ندارد غیر آنچه قانون صراحتاً اجازه داده است.

رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان از حساسیت خاصی برخوردار است و هدف از تعقیب این افراد ایجاد حس مسئولیت پذیری، بازاجتماعی شدن و تربیت و اصلاح است نه برخورد سخت و خشن کیفری؛ دستیابی به این هدف زمانی ممکن است که قضات و کارکنان دادسرا از ویژگی خاصی از جمله گذراندن آموزش های تربیتی، برخورداری از تجربه کافی و توجه به وضعیت روحی و رفتار نوجوانان بهره مند باشند. بر همین اساس در ماده (۴۰۹) مقرر شده است: «قضات دادگاه و دادرای اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضائیه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضائی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بداند، انتخاب می کند.»

علاوه بر جرایم ارتكابی توسط اطفال،^{۵۲} چنانچه نوجوانان نیز مرتکب جرایم درجه هفت و هشت شوند به موجب ماده (۳۴۰) و چنانچه مرتکب جرایم منافی عفت شوند به موجب ماده (۳۰۶) ق. آ. د. ک قابل طرح در دادسرا نبوده و تحقیقات مقدماتی آن ها بطور مستقیم در دادگاه انجام می شود.

تبصره ۱- رؤسا، معاونان و مأموران زندان ها و بازداشتگاه های نظامی در امور مربوط به زندانیان نظامی و همچنین مأموران حفاظت اطلاعات وزارت اطلاعات نسبت به جرائم کارکنان وزارت مزبور که در صلاحیت رسیدگی سازمان قضائی است، ضابط نظامی محسوب می شوند.

تبصره ۲- کارکنان وظیفه، ضابط نظامی محسوب نمی شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می کنند و مسئولیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان نظامی است و این مسئولیت نافی مسئولیت کارکنان وظیفه نیست.

تبصره ۳- اجرای تصمیمات و دستورهای مراجع قضائی عمومی در یگان های نظامی و انتظامی به عهده ضابطان نظامی بوده است.» (آخوندی، ۱۳۹۴ ص ۱۴۴)

^{۵۲} به موجب تبصره ماده (۳۰۴) ق. آ. د. ک منظور از طفل کسی است که به بلوغ شرعی نرسیده باشد و نوجوانان افراد بالغ زیر ۱۸ سال را شامل می شود. به موجب ماده (۱۴۷) ق. م. ا. (۹۲): «سن بلوغ در دختران و پسران، به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری اس.»

گفتار چهارم: پلیس ویژه اطفال و نوجوانان

ویژگی های خاص اطفال و نوجوانان اقتضاء می کند که در کنار دادرسی تخصصی و دادگاه های اختصاصی اطفال و نوجوانان، وظایف مربوط به ضابطان در مورد جرایم ارتكابی از سوی این افراد، همچنین تحقیق و بازرسی از آن ها در صورتی که بزه دیده یا شاهد جرم باشند، توسط ضابطان آموزش دیده که به ظرافت ها و حساسیت های دوران طفولیت یا نوجوانی توجه داشته باشند، صورت گیرد. بر همین اساس مسأله تشکیل ضابطان یا پلیس تخصصی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است. در ماده (۳۱) ق. آ. د. ک مقرر شده است: «به منظور حسن اجرای وظایف ضابطان در مورد اطفال و نوجوانان، پلیس ویژه اطفال و نوجوانان در نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می شود. وظایف و حدود اختیارات آن به موجب لایحه ای است که توسط رئیس قوه قضائیه تهیه می شود.»

در حال حاضر این ضابطان خاص در نظام حقوقی ما وجود ندارند و در آینده ایجاد خواهد شد. علاوه بر مراتب فوق مسئله خاص بودن تحقیق از کودکان سبب گردیده که به موجب ماده (۴۲) قانون مزبور، بازرسی از افراد نابالغ حتی الامکان توسط ضابطان زن آموزش دیده انجام شود.

در تدوین لایحه موصوف باید به مبانی و اهداف دادرسی افتراقی کودکان و نوجوانان توجه شود. یعنی حدود اختیارات و صلاحیت پلیس اطفال و نوجوانان مبتنی بر این اهداف تعریف و تدوین شود. مهمترین محورهای توجه به این اهداف به شرح زیر می باشد:

- ۱- در کنار وظایف مربوط به کشف جرم و انجام تحقیقات مقدماتی حدود صلاحیت و اختیارات پلیس در مورد پیشگیری از وقوع جرم توسط اطفال و نوجوانان یا بر علیه آنان افزایش یابد.
- ۲- حدود اختیارات پلیس محدود به مقابله با جرایم نشود بلکه برای مقابله با انحرافات و کج ورزی های اطفال و نوجوانان، حدود و ثغور صلاحیت و اختیارات پلیس تعریف شود. برای مثال اگر کودکی از منزل یا مدرسه فرار می نماید پلیس بتواند با تقاضای خانواده یا سرپرستان قانونی و با رعایت حریم خصوصی، آنان را یاری کند.
- ۳- حدود اختیارات پلیس محدود به اطفال و نوجوانان معارض قانون (بزهکار) نباشد بلکه پلیس باید برای مقابله و پیشگیری از جرایم علیه اطفال و نوجوانان و حمایت از افراد در معرض خطر، دارای اختیارات مشخص باشد. ایجاد تدابیر و مراقبت های لازم از کودکان در موقعیت های جرم زاء، ارائه خدمات مشاوره ای و توصیه های لازم به خانواده، می تواند مصادیق بارز اقدامات پلیس را برای حمایت از اطفال و نوجوانان باشد.
- ۴- اعطاء بخشی از اختیارات دادستان به این پلیس در تعقیب جرایم مثل بایگانی کردن پرونده در جرایم خرد یا ارجاع به میانجیگری می تواند پاسخ مناسبی برای برخورد با جرایم اطفال و نوجوانان محسوب شود.

گفتار پنجم: ضابطان خاص برای اطفال و زنان بزه دیده

چنانچه اطفال و نوجوانان موضوع تعقیب دادرسی باشند، اعم از اینکه نقش آنان بزه دیدگی یا بزهکاری باشد، به موجب ماده (۳۱) این قانون وظایف ضابطان در مورد این افراد باید توسط پلیس ویژه اطفال و نوجوانان صورت گیرد و به موجب ماده (۴۲) همین قانون، به طور کلی بازرسی و تحقیق از زنان و افراد نابالغ در صورت امکان باید توسط ضابطان آموزش دیده زن و با رعایت موازین شرعی انجام شود. این حمایت شامل اطفال و نوجوانان و زنان بزه دیده نیز می شود. (رحمدل، ۱۳۹۴، ص ۱۰۲)

گفتار ششم: تشکیل پرونده

توجه به شخصیت بزهکار در نظام های حقوق کیفری دنیا از سابقه طولانی برخوردار نیست، زیرا تا قبل از ظهور آموزه های جرم شناسی در قرن بیستم، توجه حقوق کیفری به تناسب جرم و مجازات معطوف بود و میزان مجازات بستگی به سنگینی آثار و نتایج آن داشت. این در حالی است که توجه به شخصیت متهم در امور کیفری، از ویژگی های بارز نظام حقوقی اسلام است. اصولاً نحوه تعیین مجازات های تعزیری در حقوق اسلام مبتنی بر توجه به شخصیت مرتکب و میزان اثر و فایده مندی مجازات تعزیری بر رفتار او است. زیرا مهمترین هدف تعزیر، تأدیب مجرم است. بر همین اساس پرونده شخصیت زیرساخت مناسبی برای تحقق اصل «التعزیر بما یزاه الحاکم» محسوب می شود.

علاوه بر این، در آموزه حقوق کیفری اسلام به صورت خاص توجه به شخصیت بزهکار در مواردی از جمله تعیین مجازات مشخص برای صغیر ممیز، رفع مسئولیت کیفری از مجنون و شخص در حال خواب و... قابل رؤیت است. در نظام های حقوقی امروزی توجه به شخصیت بزهکار در پی آموزه های جرم شناسی از نیمه دوم قرن بیستم، به خصوص در آموزه دفاع اجتماع نوین، مطرح شد. در پی این آموزه ها پرونده شخصیت ابزاری دانسته شد که از رهگذر آن در مراحل مختلف دادرسی به خصوص در زمان تعیین کیفر شخصیت مجرم مورد توجه قرار گیرد. از این طریق تصمیمات قضایی مبتنی بر اطلاعات علمی و منطبق با شخصیت روحی و روانی مرتکب تعیین و اجرا می شود.

اگر انحصار هدف مجازات ها به اصلاح و تربیت و بازاجتماعی کردن را با تردید جدی مواجه بدانیم، نمی توان انکار کرد در تعیین و اجرای مجازات یکی از اهداف مهم همین هدف است. اصلاح و تربیت و بازاجتماعی شدن بدون توجه به شخصیت روانی و اجتماعی و سوابق فرد غیر ممکن است. احراز شخصیت فرد یا بررسی های اجمالی و برآورد ظاهری از وضعیت متهم مقدور نیست. بلکه بهره گیری از روش های علمی و بکارگیری متخصصان می تواند دادرسان را در نیل به این هدف یاری دهد.

به موجب قانون مجازات اسلامی، نهادهای کیفری متعددی برای فردی کردن مجازات و تطبیق آن با شخصیت مرتکب جرم پیش بینی شده است. جایگزین های مجازات زندان، تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی، تعلیق اجرای مجازات، آزادی تحت سیستم های الکترونیکی، مجازات های تکمیلی، تخفیف و تبدیل مجازات مهمترین مصادیق این نهادهای کیفری هستند. در اجرای تمام این مقررات توجه به شخصیت مرتکب نقش محوری دارد. در مرحله تعقیب نیز توسل به سازوکارهایی مثل تعلیق تعقیب و تناسب سازی قرارهای تأمینی با وضعیت مرتکب در گرو شناخت صحیح شخصیت متهم است. بر همین اساس، قانونگذار به موجب ماده (۲۰۳) و (۲۸۶) ق.آ.د.ک تشکیل پرونده شخصیت را در مورد جرایم مهم اجباری می داند.

الف) جرایمی که مجازات قانونی آن ها سلب حیات، قطع عضو، حبس ابد و یا تعزیر درجه چهار و بالاتر است.

ب) در مورد اطفال و نوجوانان علاوه بر موارد فوق جرایم تعزیری درجه پنج و شش.^{۵۳}

تشکیل پرونده شخصیت به عهده واحد مددکاری اجتماعی است که مطابق ماده (۴۸۶) قانون مزبور باید در حوزه قضایی تمام دادگستری های شهرستان تشکیل شود. بازپرس تنها دستور تشکیل این پرونده را می دهد. پرونده شخصیت حاوی اطلاعات زیر است. (باقری نژاد، ۱۳۹۴ ص ۹۱)

^{۵۳} به موجب بند (۱۶) مقررات استاندارد ملل متحد پیرامون دادرسی ویژه کودکان معروف به مقررات پکن (۱۹۸۵) پیش بینی شده است که: «در مورد تمام جرایم، به استثنای جرایم خرد، پیش از اتخاذ تصمیم نهایی و صدور حکم، پیشینه و شرایط زندگی کودک و شرایط ارتکاب جرم توسط او، بررسی می شود تا صدور حکم عادلانه توسط مرجع ذیصلاح را تسهیل کند.»

الف) گزارش مددکار اجتماعی در خصوص وضع مادی، خانوادگی و اجتماعی متهم؛

ب) گزارش پزشکی و روانپزشکی.

مددکار اجتماعی که باید متخصص علوم تربیتی و رفتاری باشد، با بررسی علمی، اطلاعات لازم از وضعیت خانوادگی، نحوه تحصیل و آموزش‌های متهم، محیط زندگی و فعالیت‌های اجتماعی وی مثل فعالیت‌های ورزشی، عضویت در گروه‌ها، شغل و ارتباطات عمومی متهم را جمع‌آوری کند و چنانچه متهم در گذشته از ناراحتی‌های روحی و روانی رنج می‌برده، یا دارای سوابق بیماری است، اطلاعات آن را جمع‌آوری کند.

نکته مهم این است که در فرایند تشکیل پرونده شخصیت و جمع‌آوری اطلاعات وی باید ضوابط مربوط به حریم خصوصی و حقوق شهروندی رعایت شود. علاوه بر این باید گزارش پزشکی و روانپزشکی که حاوی اطلاعات لازم پیرامون وضعیت سلامت یا امراض جسمی و روانی و رفتاری مرتکب است به طور جداگانه اخذ شود.

نتیجه گیری

یکی از موضوعات مهم مورد مطالعه در حقوق کیفری اطفال، مسأله آیین دادرسی و صلاحیت دادگاه رسیدگی کننده به جرائم اطفال است. طبع و روحیه خاص اطفال و نوجوانان ایجاب می کند که در صورت ارتکاب جرم توسط آنها، علل بزهکاری و شخصیت آنها به خوبی شناخته شود تا روش ها و واکنش های مناسب برای اصلاح آنها و پیشگیری از ارتکاب مجدد جرم اتخاذ گردد. برخورد خشن با این دسته از بزهکاران و عدم توجه به تفاوت انگیزه ها و شخصیت آنان با بزرگسالان ممکن است تأثیر مطلوبی بر روند اصلاح و باز اجتماعی شدن آنان نداشته، روحیه انتقام جویی از جامعه را در نهاد آنها بدمد. در مقابل، نشان دادن رفتاری سنجیده و معقول همراه با بردباری و مدارا در برابر آنان می تواند از رنگ سرکوب در واکنش جامعه کاسته، نقش آن را در اصلاح و هدایت اطفال و نوجوانان را فزونی بخشد و از تبدیل این بزهکاران اتفاقی^۴ به بزهکاران حرفه ای جلوگیری نماید.

در سطح بین المللی، کنوانسیون ۱۹۸۹ حقوق کودک به عنوان یک سند الزام آور برای اعضاء، در بند سوم ماده ۴۰ خود مقرر می دارد: «دول عضو در جهت افزایش وضع قانون، اتخاذ شیوه های رسیدگی و همچنین ایجاد مراجع و نهادهایی خاص برای اطفال مظنون یا متهم به ارتکاب جرم و یا محکوم تلاش خواهند نمود.» بنابر این، ایران به عنوان یک دولت عضو این کنوانسیون که متعهد به اجرای مفاد آن در حقوق داخلی خود است باید کوشش خود را در جهت وضع قوانینی برای تشکیل مراجع قضایی ویژه رسیدگی به جرائم اطفال به کار بندد.

در سطح داخلی، هم اکنون ماده ۲۹۴ ق. آ. د. ک، دادگاه های اطفال و نوجوانان را در کنار سایر دادگاه ها ولی مستقل از آنها پیش بینی کرده است. با توجه به ماده ۳۰۴ که رسیدگی به کلیه جرائم اطفال و افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی^۵ در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان اعلام کرده و با توجه به اینکه در هیچیک از مواد قانون، این دادگاه شعبه ای از دادگاهی دیگر معرفی نشده و اجازه رسیدگی به جرائم افراد بالای هجده سال تمام هم به آن داده نشده است، و متقابلاً از مفهوم مخالف تبصره ماده ۲۹۸ نیز استنباط می شود که با تشکیل دادگاه اطفال و نوجوانان در یک حوزه قضایی، دادگاه کیفری دو هم دیگر نمی تواند به جرائم افراد زیر هجده سال تمام رسیدگی نماید، بنابر این، در نظام قضایی کشورمان، دادگاه اطفال و نوجوانان یک دادگاه اختصاصی محسوب می شود. از تبصره یک ماده ۳۱۴ نیز که می گوید: «هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرائم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری دو و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرائم او در دادگاه کیفری رسیدگی می شود»، خلاف این مطلب بر نمی آید. زیرا در فرض موردنظر ماده فوق که شخصی در یک زمان متهم به دو جرم باشد که یکی از آنها در صلاحیت دادگاه کیفری (یک یا دو) و دیگری در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باشد، لزوماً این امر در جایی قابلیت تحقق دارد که وی یک جرم را قبل از هجده سالگی و جرم دیگر را بعد از هجده سالگی مرتکب شده و هم اکنون رسیدگی به هر دو جرم او مطرح باشد. بنابر این، از آنجا

^۴ معمولاً از «تفاقی بودن» به عنوان یکی از ویژگی های بزهکاری اطفال یاد می شود، به این معنا که «ارتکاب جرم به علت عدم آگاهی و عدم توجه به نتایج حاصله از اعمال، تبعیت از احساسات و عواطف و بدون سبق تصمیم و پیش بینی صورت می گیرد» دکتر علی نجفی توانا، **ناپهنجاری بزهکاری**

اطفال و نوجوانان از دیدگاه جرم شناسی، مقررات داخلی و اسناد بین المللی، تهران، راه تربیت، ۱۳۸۲، ص ۳۹.

^۵ طبق ماده ۱۴۷ ق.م.ا.ق. ۹۲: «سن بلوغ در دختران و پسران به ترتیب نه و پانزده سال تمام قمری است.» بنابر این، «اطفال» هم جزئی از «افراد کمتر از هجده سال تمام شمسی» هستند و در ماده ۳۰۴ یا باید گفته می شد «اطفال و افراد بالغ زیر هجده سال تمام» یا خیلی ساده فقط گفته می شود «افراد کمتر از هجده سال تمام».

که به حکم قسمت دوم تبصره ۲ ماده ۳۰۴، رسیدگی به اتهام چنین فردی در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد، لذا قانونگذار رسیدگی به هر دو (جرم قبل و جرم بعد از هجده سالگی) را در صلاحیت دادگاه کیفری یک دانسته است. ملاک صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان سن مرتکب است و اصولاً هر گاه سخن از سن مرتکب به عنوان ملاک تعیین صلاحیت یک مرجع قضایی در میان باشد، سن او در زمان ارتکاب جرم مورد نظر است. اما در اینجا، با توجه به تبصره ۲ ماده ۳۰۴ ق. آ. د. ک، استثنائاً سن مرتکب در زمان شروع به رسیدگی ملاک صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان است، به گونه‌ای که اگر متهم در این تاریخ زیر هجده سال تمام سن داشته باشد، این دادگاه صالح به رسیدگی به اتهام او خواهد بود، در غیر اینصورت، اتهام وی باید در دادگاه کیفری صالح مورد رسیدگی قرار گیرد. مطابق این تبصره: «هرگاه در حین رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نماید، رسیدگی به اتهام وی مطابق این قانون در دادگاه اطفال و نوجوانان ادامه می‌یابد. چنانچه قبل از شروع به رسیدگی سن متهم از هجده سال تمام تجاوز نکند، رسیدگی به اتهام وی حسب مورد در دادگاه کیفری صالح صورت می‌گیرد. در این صورت متهم از کلیه امتیازاتی که در دادگاه اطفال و نوجوانان اعمال می‌شود، بهره‌مند می‌گردد.» منظور از «شروع رسیدگی» در تبصره فوق را نیز باید تاریخی دانست که رئیس دادگاه، پس از احراز صلاحیت خود، دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار طرفین را صادر می‌کند. بنابر این، می‌توان گفت که از این تاریخ، رسیدگی آغاز می‌شود و تعیین وقت، احضار، ابلاغ و بازگشت اوراق همگی جزئی از تشریفات رسیدگی هستند. این تفسیر مانع از آن می‌شود که در صورت گذشتن سن متهم از هجده سال در فاصله احضار تا وقت رسیدگی، دادگاه به یکباره قرار عدم صلاحیت صادر کرده و پس از مدتها انتظار، طرفین را به دادگاه دیگری هدایت نماید.

صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان از نظر سن مرتکب و نوع جرم، یک استثناء دارد، یعنی اگر سن مرتکب بالای سن بلوغ و کمتر از هجده سال تمام شمسی و نوع جرم نیز از جرائم داخل در صلاحیت دادگاه کیفری یک یا دادگاه انقلاب با روش تعدد قاضی باشد، رسیدگی به آن بر عهده دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان خواهد بود که شعبه تخصصی دادگاه کیفری یک است (ماده ۳۱۵ ق. آ. د. ک و تبصره ۱ آن). چنانچه مرتکب نابالغ باشد، جرائم فوق به حکم عبارت عام ماده ۳۰۴ ق. آ. د. ک در صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان باقی خواهد ماند. بنابر این، اگر قبل از شروع به رسیدگی (نک: تبصره ۲ ماده ۳۰۴) سن مرتکب کمتر از هجده سال تمام شمسی باشد، برای هیچ جرمی در دادگاه انقلاب قابل محاکمه نخواهد بود.^{۵۶} در صورتی که فرد کمتر از هجده سال تمام، از نیروهای نظامی باشد (مثلاً از افراد عضو نیروی مقاومت بسیج)، و جرم او نیز از جرائم مربوط به وظایف خاص نظامی باشد، به اعتبار سن مرتکب، وی باید در دادگاه اطفال و نوجوانان، و به اعتبار نظامی بودن و ارتباط جرم وی با جرائم خاص نظامی او باید در دادگاه نظامی محاکمه شود. در تعارض صلاحیت میان این دو مرجع، ماده ۵۹۹ ق. آ. د. ک، حکم به صلاحیت دادگاه نظامی داده و اعلام کرده است: «به جرایم نظامیان کمتر از هیجده سال تمام شمسی که در صلاحیت سازمان قضایی است، با رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان، در دادسرا و دادگاه‌های نظامی رسیدگی می‌شود.»

از نظر تعداد قاضی باید قائل به تفکیک شد: در دادگاه اطفال و نوجوانان با اتخاذ روش وحدت قاضی، تنها یک قاضی حضور دارد، ولی در دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان، چون شعبه‌ای از دادگاه کیفری یک محسوب می‌شود، از روش تعدد قاضی پیروی شده است. پس دادگاه اخیر سه قاضی دارد، یک رئیس و دو مستشار که با حضور دو عضو هم‌جلسات

^{۵۶}. قبلاً نیز رأی وحدت رویه شماره ۶۵۱ مورخ ۷۹/۸/۳ رسیدگی به کلیه جرائم اطفال را از صلاحیت دادگاه انقلاب خارج دانسته و در صلاحیت دادگاه اطفال قرار داده بود.

آن رسمیت می شود. تمام این قضات باید واجد شرایطی باشند که ماده ۴۰۹ ق. آ. د. ک گفته است، یعنی: «قضات دادگاه و دادرسی اطفال و نوجوانان را رئیس قوه قضاییه از بین قضاتی که حداقل پنج سال سابقه خدمت قضایی دارند و شایستگی آنان را برای این امر با رعایت سن و جهات دیگر از قبیل تأهل، گذراندن دوره آموزشی و ترجیحاً داشتن فرزند محرز بداند، انتخاب می کند.»

به منظور شناخت بهتر شخصیت متهم و کمک به یافتن واکنش مناسب در برابر رفتار او، حضور مشاور در دادگاه پیش بینی شده است. مشاور دادگاه، مستشار نیست و حق رأی ندارد، بلکه از بین متخصصان^۷ علوم تربیتی، روانشناسی، جرم شناسی، مددکاری اجتماعی، دانشگاهیان و فرهنگیان آشنا به مسائل روانشناختی و تربیتی کودکان و نوجوانان اعم از شاغل و بازنشسته انتخاب می شود و نظرش برای قاضی جنبه مشورتی دارد. (مواد ۲۹۸ و ۴۱۰ ق. آ. د. ک)^{۵۸}

دادرسی جرائم اطفال و نوجوانان یک دادرسی افتراقی یعنی حاوی مقرراتی بعضاً متفاوت با دادرسی جرائم بزرگسالان است. این مقررات برای رسیدگی دادگاه اطفال و نوجوانان پیش بینی شده و به دادرسی دادگاه کیفری یک ویژه رسیدگی به جرائم نوجوانان نیز تسری یافته است. در این دادگاه ها وقت جلسه رسیدگی به والدین، اولیاء یا سرپرست قانونی طفل یا نوجوان، وکیل وی و دادستان و شاکی ابلاغ می شود و ابلاغ وقت رسیدگی به متهم منوط به این است که در موقع رسیدگی سن وی هجده سال تمام یا بیشتر باشد (ماده ۴۱۲ و تبصره یک آن)

اصولاً برخورداری از وکیل مدافع حقی برای متهم است که وی می تواند از آن استفاده کرده و یا شخصاً به دفاع از خود بپردازد. تکلیف دادگاه به تعیین وکیل برای متهم که در این حالت وکیل مزبور وکیل تسخیری نامیده می شود جنبه استثنایی داشته و منوط به تقاضای او و عدم توانایی مالی اش برای استخدام وکیل (ماده ۳۴۷) یا مطرح بودن اتهاماتی با مجازات های سنگین است (ماده ۳۴۸). اما در مورد اطفال لزوم تعیین وکیل تسخیری برای متهم به جرائم بیشتری (هم در دادرسی و هم در دادگاه) توسعه یافته و ماده ۴۱۵ ق. آ. د. ک مقرر داشته است: «در جرائمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری یک است یا جرائمی که، دادرسی و یا دادگاه اطفال و نوجوانان به ولی یا سرپرست قانونی متهم ابلاغ می نماید که برای او وکیل تعیین کند. در صورت عدم تعیین وکیل یا عدم حضور وکیل بدون اعلام عذر موجه، در مرجع قضایی برای متهم وکیل تعیین می شود...»

یکی از اصول مهم تضمین کننده یک دادرسی منصفانه در امر کیفری، اصل علنی بودن دادرسی است که به دلیل اهمیت و جایگاه والای آن در قانون اساسی نیز مورد تأکید قرار گرفته است (اصل ۱۶۵). با این حال، در مورد جرائم اطفال و نوجوانان، به منظور جلوگیری از قرار گرفتن آنها در کانون توجه عموم، اصل مزبور اجراء نمی شود، حتی گاه نسبت به خود متهم. از اینرو، ماده ۴۱۳ ق. آ. د. ک حضور افراد دیگری غیر از والدین، اولیاء یا سرپرست طفل و نوجوان، وکیل مدافع، شاکی، شهود، مطلعان و مددکار اجتماعی بهزیستی در جلسه را موکول به موافقت دادگاه دانسته است. ماده ۴۱۴ ق. آ. د. ک نیز در مورد نابالغان اعلام کرده که اگر مصلحت آنها اقتضاء کند، تمام یا قسمتی از دادرسی در غیاب متهم به عمل آید.

^{۵۷} با توجه به اینکه قرار است در حوزه قضایی هر شهرستان، دادگاه اطفال و نوجوانان تشکیل شود (تبصره ماده ۲۹۸)، پیش بینی حضور کارشناسان رشته های فوق به جای متخصصان این رشته ها مناسب تر و امکان به کارگیری آنها هم راحت تر بود.

^{۵۸} قبل از اصلاح ماده ۲۹۸ در ۹۴/۳/۲۴، این ماده حضور دو مشاور را در دادگاه اطفال و نوجوانان پیش بینی کرده بود. در آن تاریخ، قانونگذار با اصلاح ماده مذکور تعداد مشاوران دادگاه را به یک نفر کاهش داد، اما در هنگام اصلاح تبصره ۲ ماده ۳۱۵ این تقلیل تعداد مشاوران را از یاد برد و چون در مقام تغییر عبارت «جرائم اطفال و نوجوانان» به عبارت «جرائم نوجوانان» بود، به واژه «مشاوران» در این تبصره توجه نکرد و این واژه به همین ترتیب در تبصره فوق باقی ماند.

و سرانجام اینکه با وجود احصاء آراء قابلیت جدیدنظر یا فرجام و وجود محدودیت در این زمینه (ماده ۴۲۷ ق. آ. د. ک)، آرای دادگاه اطفال و نوجوانان در تمامی موارد قابل تجدیدنظر خواهی است (ماده ۴۴۵ همان قانون).

منابع

۱. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، اندیشه‌ها، جلد چهارم، انتشارات اشراق (دانشگاه قم)، چاپ دوم، فروردین ۱۳۸۰
۲. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، سازمان و صلاحیت مراجع کیفری، جلد دوم، نشر زلال و کارنامه، چاپ هشتم، تابستان ۱۳۸۴
۳. آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، جلد پنجم، نشر میزان، چاپ دوم، ۱۳۸۴
۴. اردبیلی، محمدعلی، حقوق جزای عمومی، جلد یک، سال ۱۳۷۷
۵. اردبیلی، محمدعلی، جامعه‌شناسی اجتماعی (تقریرات)، دانشگاه آزاد اسلامی، سال تحصیلی ۱۳۷۶-۱۳۷۵
۶. اسدی، لیل، مقاله کودکان بزه‌دیده و بزهکاری در حقوق ایران، فصلنامه ندای صادق، ۱۳۸۲
۷. انجمن جامعه‌شناسی ایران، آسیبهای اجتماعی ایران، مجموعه مقالات، چاپ اول، بهار ۱۳۸۳
۸. باهری، محمد، حقوق جزای عمومی، ناشر دانشگاه تهران، ۱۳۷۷
۹. بولک، برنار، کیفرشناسی، ترجمه دکتر نجفی ابرند آبادی، علی حسین، انتشارات مجد، ۱۳۷۷
۱۰. پیرنیا، حسن، تاریخ کشتار و آزار در ایران، ۱۳۵۹
۱۱. جابری دبلو، محسن، فرهنگ اصطلاحات فقه اسلامی، چاپ اول، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۶۲
۱۲. جاوید، صلاحی، بزهکاری اطفال، چاپ اول، انتشارات گوتنبرگ، ۱۳۵۵
۱۳. جعفر ارجمند، دانش، ترمینولوژی حقوق جزای اسلامی یا فرهنگ اصطلاحات حقوق جزای اسلامی، چاپ اول، بناب، نشر اعظم، ۱۳۷۸
۱۴. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، چاپ هشتم، انتشارات گنج دانش، ۱۳۷۶
۱۵. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، جلد دوم، ۱۳۷۸
۱۶. جمعی از نویسندگان، عدالت برای بزه دیدگان، اداره‌ی کنترل مواد مخدر و پیشگیری از جرم سازمان ملل متحد، نشر سبیل، مترجم علی تابان، سال ۱۳۸۴
۱۷. حیدری، غلام حسین، تحول رسیدگی به جرایم اطفال در ایران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد نراق، پایان نامه کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، ۱۳۷۸
۱۸. حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی (ره)، تحریرالوسیله، ترجمه علی اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۶۸
۱۹. دانش، تاج‌زمان، بزهکاری اطفال و نوجوانان، مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۴

۲۰. سیگنل، لاری رنسا، جوزف، بزهدکاری نوجوانان، ترجمه مزینانی، علی اکبر و کلولی دزفولی، نشر سازمان ملی جوانان، ۱۳۸
۲۱. شامبیاتی، هوشنگ، بزهدکاری اطفال و نوجوانان، نشر ژوبین و مجد، چاپ چهارم، ۱۳۸۵
۲۲. شامبیاتی، هوشنگ، حقوق جزای عمومی، جلد دوم، نشر دستیار، چاپ هفتم، ۱۳۷۵
۲۳. شریعت پناهی، ژیلا، تحلیلی نو بر حقوق زن از دیدگاه قرآن، چاپ اول، نشر پیک، ۱۳۷۷
۲۴. شهری، غلامرضا، ستوده تهرانی، سروش، نظریات اداره حقوقی در زمینه مسایل حقوقی، ۱۳۷۳
۲۵. شهری، غلامرضا. دیگران، مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات کیفری بانضمام رونامه رسمی جمهوری اسلامی ایران، جلد اول، چاپ اول، ۱۳۸۵
۲۶. صفایی، سیدحسین، قاسم‌زاده، سیدمرتضی، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، چاپ اول، انتشارات سمت، ۱۳۷۵
۲۷. ضعیف‌زاده، مژگان، سن محدودیت کیفری در فقه شیعه و مقایسه آن با قوانین جدید، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تابستان ۱۳۷۸
۲۸. طباطبایی، محمدحسین، ترجمه تفسیر المیزان، جلد هفتم، مؤسسه مطبوعاتی دارالعلم، بی‌تا، ۱۳۷۸
۲۹. عباچی، مریم، حقوق کیفری در اسناد سازمان ملل متحد، انتشارات مجد، سال ۱۳۸۰
۳۰. عبادی، شیرین، حقوق کودک، نگاهی به مسایل حقوق کودک در ایران، انتشارات کانون، چاپ چهارم، ۱۳۷۵